گفت وگو با مسعود زریبافان

مسئول ستاد مردمی حمایت از دکتر احمدی نژاد

سوم تیر منطقه ممنوعه را بازکرد

مسعود زریبافان عضو شورای شهر دوره دوم تهران، در زمان انتخابات نهم ریاست جمهوری در سال ۸۴، مسئولیت ستاد مردمی حمایت از دکتر احمدی نژاد را بر عهده داشت. پس از ریاست جمهوری نیز مدتی در کسوت دبیری هیأت دولت قرار گرفت. او زیاد اهل مصاحبه با خبرنگاران نیست اما این بار به مناسبت سالگرد ۳ تیر حاضر شد در گفت وگو با خبرگزاری فارس بخشی از خاطرات و دیدگاه هایش در مورد آن مقطع تاریخی را عنوان کند.

برخی چنین وانمود می کنند که پدیده سوم تیر یک اتفاق بود و برخی نیز نتیجه انتخابات نهم ریاست جمهوری را یک پروسه می خوانند. نظر شما در این خصوص چیست؟

وقتی سخن از اتفاق به میان می آورید معنایش این است که گویا هیچ پیش درآمدی برای آن قائل نیستید. من حماسه سوم تیر را به ثمر نشستن روندی می دانم که از ۹ اسفند ۸۱ با انتخاب دومین شورای شهر تهران آغاز شد. با یک نگاه تحلیلی می توان گفت که پدیده سوم تیر یک امر قابل پیش بینی بود زیرا مردم نگاه خود را به طرز فکر، نگرش مدیریتی و مرام رفتاری دکتر احمدی نژاد متوجه و معطوف کرده بودند. ابتدا در سطح تهران و به تدریج در نقاط دیگر، گرایشهای فزاینده به آقای احمدی نژاد در اقشار مختلف مردم به وجود آمد. علائق و گرایش های مردمی به دکتر احمدی نژاد، برای ما که از همکاران نزدیک ایشان بودیم، کاملاً مشهود بود. مردم شور و شوق فراوانی از خود نشان می دادند، به ایشان ابراز علاقه می کردند و رویکرد مدیریتی ایشان را مورد ستایش قرار می دادند، بنابراین با چنین بستری از استقبال عمومی نمی توان سوم تیر را یک اتفاق قلمداد کرد.

از آقای احمدی نژاد درخواست شد که در انتخابات ریاست جمهوری کاندید شود یا این که خود ایشان به این تصمیم رسید؟

با وجود فشارها و ممانعت هایی که بر سر راه ورود دکتر احمدی نژاد به عرصه ریاست جمهوری وجود داشت، ایشان در پاسخ به خواست و تشویق مردم، با در رکاب خدمتی بزرگتر در عرصه ملی گذاشت و بر اساس تکلیفی که بر دوش خود احساس می کرد، مستقل از گروه ها و جریانهای سیاسی و در آخرین فرصت های پیش رو به ثبت نام در انتخابات ریاست جمهوری نهم مبادرت ورزید. البته جریانات سیاسی اصلاً آقای احمدی نژاد را به ثبت نام در انتخابات تشویق نمی کردند و سعی می کردند مانع از این کار شوند اما خواست مردم چیز دیگری بود.

بعضی نظرسنجی ها مؤید رأی آوردن آقای احمدی نژاد نبود و احتمالاً به خاطر همین تفکر، عده ای بعد از انتخابات، اتهاماتی زدند. جریان این نظرسنجی ها چه بود؟

اغلب نظرسنجی ها در ایران، بویژه در حوزه مسائل سیاست داخلی از پشتوانه علمی لازم برخوردار نبوده و بیشتر تحت تأثیر گرایشهای سیاسی تهیه کنندگان و سفارش دهندگان قرار داشته است؛ به نحوی که در یک مورد خاص، دو نظرسنجی مشابه، با دو نتیجه گیری متفاوت منتشر شده است. گذشته از این مهم، تجربه نشان می دهد که نظرسنجی ها هر چه از انتخابات فاصله داشته باشد، کمتر قابل استناد است و هر چه بیشتر به زمان رأی گیری نزدیک شود، احتمال واقعی شدن آن به طور نسبی افزایش پیدا می کند، بنابراین نظر سنجی هایی که با فاصله بیش از یک ماه به انتخابات، تهیه می شود، قابل استناد نیست زیرا در یک فضای غیر انتخاباتی یا افراد خاصی مصاحبه می شود و این جهت گیری در نظرسنجی، نتیجه گیری را غیر واقعی و فاقد ارزش علمی و غیر قابل استناد می سازد. نظرسنجی انتخابات ریاست جمهوری در سال ۷۶ مثال روشنی در این زمینه است زیرا نظرسنجی ها نشان می داد که آقای ناطق رأی می آورد اما دیدیم سرانجام آقای خاتمی انتخاب شد. بنابراین هیچکس نباید به خود اجازه دهد به خاطر برآورده نشدن منویات قلبی اش، رأی مردم را به سخره گرفته و آنها را هدف تهمت و افترا قرار دهد.

شما در ستاد مردمی حمایت از دکتر احمدی نژاد، منشأ استقبال فزاینده از ایشان را در چه عواملی می دانستید؟

مردم دیدند که مردی مخلص از جنس خودشان در مدیریت شهری، یک روش موفق مدیریتی، دلسوزانه و کارآمد را بروز داده و تعامل مثبت و سازنده ای را با مردم برقرار کرده است. این رویکرد مدیریتی برای مردم بسیار جذاب بود، لذا از آن استقبال کردند.

چه تحلیلی از تخریب هایی که علیه آقای احمدی نژاد در انتخابات انجام شد، دارید؟ شما در ستاد چطور با آن مواجه می شدید؟

از همان روزی که شورای شهر تهران، دکتر احمدی نژاد را انتخاب کرد، تخریب ها شروع شد. به سایت ها و روزنامه های آن زمان نگاه کنید و ببینید چه همچه ای را شروع کردند و چه اتهاماتی را وارد آوردند. از آن موقع می خواستند با اتهامات و تخریب ها مانع از صدور حکم شهرداری ایشان بشوند که با پیگیری های شورای اسلامی شهر و صدور حکم، این مسائل کمرنگ تر شد تا این که مجدداً در انتخابات ریاست جمهوری، هجمه های رنگارنگ تبلیغاتی علیه دکتر احمدی نژاد در ابعاد جدیدتر و گسترده تری بروز کرد. اگر تخریب های اول را جریانات ضد انقلاب و جریاناتی که با طرز فکر اصولگرایی فاصله داشتند، انجام می دادند، متأسفانه در زمان انتخابات ریاست جمهوری برخی از تخریب ها را افرادی که حتی در داخل جریان اصولگرایی بودند ولی با آقای احمدی نژاد موافق نبودند، انجام دادند.

روز ۲۷ خرداد چه شد؟ ارزیابی شما از روند شمارش و اعلام نتایج آرا چه بود؟

معمولاً در شمارش آرای صندوق هایی که آرای کمتری دارند، سریع تر شمرده می شوند، صندوق هایی که رأی بیشتری در آنها ریخته می شود مربوط به مناطق پرجمعیت است و به طور طبیعی شمارش این صندوق ها به درازا می کشد و نتیجه آن دیرتر اعلام می شود. البته بخش عمده رأی دکتر احمدی نژاد نیز به اینگونه مناطق و صندوق ها مربوط می شد. لذا طبیعی بود نتایج شمارش اولیه با نتایج بعدی تفاوت کند. بنابراین ما پیش بینی می کردیم که نتایج اولیه تغییر کند؛ چون در میان مردم بودیم و می دانستیم مردم چطور رأی می دهند و واقف بودیم که صندوق های اصلی هنوز شمارش نشده است. بعضی ها فضاسازی می کردند و این منصفانه نبود. همه ما باید در برابر خداوند متعال جوابگو باشیم. اینطور نیست که کسی بگوید من رأی ام بالا بود، خوابیدم، بلند شدم و دیدم رأی من تغییر کرد. این حرف یعنی متهم کردن مجموعه مردم هوشمند در سراسر کشور و نظام اسلامی و باید در قبال آن پاسخگو بود. ما چون اعتقاد داشتیم که در حال انجام تکلیف هستیم، در همان شب انتخابات هم هیچ اضطرابی نداشتیم و به نظر مردم اطمینان داشتیم. گاهی دیده بودیم که در زمان تبلیغات بعضی کاندیداها، تعداد قلیلی در جلسه آنها حاضر می شوند ولی وقتی آقای احمدی نژاد به آن شهر ها می رود، تعداد کثیری از مردم برای شنیدن سخنان ایشان حضور پیدا می کنند. آقای دکتر احمدی نژاد فرصت بسیار کمی برای تبلیغات داشت و فشرده کار می کرد به همین دلیل برنامه ها گاهی با تأخیر انجام می شد و می دیدیم مردم در شرایط سخت، ساعت ها منتظر می ماندند. مثلاً در خوزستان مردم ساعت ها در گرما منتظر آقای احمدی نژاد بودند ولی چنین وضعیتی برای دیگران مشاهده نمی شد. در اصفهان ما با تأخیر و در حالی که شب از نیمه گذشته بود به مسجد سید اصفهان رسیدیم. آنجا مملو از جمعیت بود و جایی برای سوزن انداختن وجود نداشت. نور کم بود، صوت خراب بود و خیلی ایراد ها بود ولی مردم با عشق مانده بودند تا ایشان را ببینند و سخنش را بشنوند. لذا روز ۲۷ خرداد و ۳تیر برای ما روشن بود که چه اتفاقی در حال روی دادن است.

در مرحله دوم چه اتفاقی افتاد؟ دیدیم وضعیت دوگانه ای به وجود آمده بود. تحلیل شما چیست؟

جریانی که عالیجناب سرخ پوش را مطرح کرده بود، ناگهان طرفدار او شد و پشت سر شخصی قرار گرفت که قبلاً او را با تمام وجود تخریب می کرد. این جریان با این چرخش ناگهانی و با شدت و وقاحت تمام، شروع به تخریب احمدی نژاد کرد و اتهامات بی اساسی را به وی وارد ساخت اما مردم این حرف ها را باور نداشتند چون دکتر احمدی نژاد را چهره ای معنوی، مردم دوست، مهرورز و کارآمد می دانستند.

پیش بینی می کردیم که نتایج اولیه انتخابات تغییر کند؛ چون در میان مردم بودیم و می دانستیم مردم چطور رأی می دهند و واقف بودیم که صندوق های اصلی هنوز شمارش نشده است. البته بعضی ها فضاسازی می کردند و این منصفانه نبود

بودجه ستاد را از کجا می آوردید؟

بودجه ای که تهیه کردیم از دوستان و افرادی بود که می آمدند و کمک می کردند؛ گاهی رقم های ناچیز. مثلاً دیدیم کسانی را که ۵۰۰ تومان و هزارتومان کمک می کردند. این ها را ما با عشق می گرفتیم، حتی کسانی را داریم که یک حلقه یا انگشتر طلای خودش را می داد. ما برکت کارمان را در همین ها می دانستیم و این ها را جمع می کردیم. افراد از حقوقشان و از پولی که جمع کرده بودند کمک می کردند. حتی طلبه هایی داریم که از شهریه ماهانه خود، تبلیغات می کردند. دانشجویی که در مضیقه بود ولی پول خودش را جمع کرده بود و عکس دکتر احمدی نژاد را کپی می کرد و آن را بر در و دیوار می چسباند. بیشتر تبلیغات ما مردمی بود و به دست خود مردم انجام می شد. البته کسانی هم بودند که پیشنهاد رقمهای بالا دادند و ما نپذیرفتیم و حود آقای احمدی نژاد هم منع کرده بود و گفته بود راضی نیستم که هیچ پول شبهه ناک و ناپاک وارد عرصه فعالیت های انتخاباتی من شود. حتی کسانی بودند که مبلغ کلانی در قالب چک ارائه دادند و چون پی بردیم که آنها به دنبال اغراض خاصی هستند، پولشان را به آنها بازگرداندیم. تبلیغات ما کاملاً مردمی بود. خانم هایی بودند که در منطقه زندگی خود، مراسم دعا و نیایش برگزار می کردند و اهمیت و ضرورت رأی دادن به دکتر احمدی نژاد را به دیگران مورد تأکید قرار می دادند. مردم حتی بعضی از پوسترهای تبلیغاتی ارزان قیمت را که به صورت بسیار ساده بود، با ابتکار و خلاقیت خودشان تهیه و توزیع می کردند. ابتکارات مردم در امر تبلیغات، از کاری که ما می کردیم خیلی قوی تر، عمیق تر و اثرگذارتر بود. تجربه نشان می دهد که اگر تلاش ها، مبنای اعتقادی داشته باشد، اثرگذاری آن نیز افزایش می یابد. تبلیغات ستاد ما نیز چون بسیار ساده و مردمی بود و اسراف نداشت، با کمترین هزینه همراه بود.

سرودی که برای دکتر احمدی نژاد ساخته شد جریانش چه بود؟

اصلاً ما در جریان چگونگی ساخت این سرود نبودیم و موقعی از آن مطلع شدیم که افرادی با مراجعه به ستاد، لوح فشرده آن را عرضه کردند. آنها جمعی از دانش آموزان شرق تهران بودند، آنها چند روز بعد آمدند و گفتند ما سرود دوم را هم تهیه کردیم. اینگونه موارد در کل کشور، زیاد اتفاق افتاد که ما فقط نمودها و آثارش را می دیدیم.

جریانات مرحله دوم انتخابات را توضیح دهید. در ستاد انتخابات وزارت کشور در شب شمارش آرا چه گذشت؟

این اخبار به ما می رسید که اغیار و عوامل وابسته به بیگانگان قصد بلوا و آشوب دارند و می خواهند آرامش مردم را بر هم بزنند و شیرینی نتیجه انتخابات را در کام آنها تلخ کنند. در برابر اینگونه خبرها، تدبیری به کار گرفته شد که در زمان مرحله تبلیغات، هیچ کار تبلیغی و سیاسی نشود و ما هم اعلام کردیم که هیچ اقدامی تا اعلام نتایج شمارش آرا صورت نگیرد. آن پیام ارزشمند که در شب اعلام نتایج در مرحله دوم منتشر شد، جلوی همه توطئه ها را گرفت.

به نظر می رسید حتی ضد انقلاب آماده شده بود تا به نام کاندیدا ها اقدامات تخریبی انجام دهد و درگیری به راه بیندازد. خیلی سخت است که این را به افراد داخل نظام نسبت دهیم. من معتقدم که این کار ضد انقلاب و نیروهای خارجی بود، اما با آن پیام هوشمندانه و بهنگام و تمکینی که همه ستاد ها از آن کردند و تدبیر نظام، توطئه ها در آن شب خنثی شد.

به نظر شما ۳ تیر در تاریخ ایران ماندگار می شود؟

۳ تیر ادامه ۹ اسفند ۸۱ و انتخاب دکتر احمدی نژاد به ریاست جمهوری، ادامه انتخابات شورای اسلامی دوم شهر تهران است. ۳ تیر بازگشت نظام به ارزش های اولیه انقلاب و ارزش های ناب اسلام و انقلاب اسلامی و در واقع پیروی از خط راستین امام و رهبری است و قطعاً طعم شیرین آن در کام و ذهن مردم جاودانه خواهد ماند و در تاریخ ثبت خواهد شد. در ۳ تیر، مدار بسته مدیریتی در سطح کلان کشور باز شد و با اراده و خواست مردم، ظرفیت های جدیدی در عرصه مدیریتی کشور نمایان گردید و منطقه ممنوعه ای که برخی مسئولان برای دیگران ایجاد کرده بودند، پشت سر گذاشته شد. این یک تحول بسیار بزرگی بود. ایجاد رویکرد جدید در عرصه مدیریتی کشور، باور به توسعه همه جانبه، عدالت محور، رفع فقر و محرومیت و تبعیض، به حساب آوردن مردم، پای درد دل آنها نشستن و تهدید تلقی نکردن آنها از ثمرات سوم تیر است.

کسی که حاضر می شود خود را هر لحظه در مواجهه با مردم قرار دهد، با کسی که همیشه با فاصله از مردم قرار دارد، خیلی متفاوت است. کسی که حاضر است با مردم روی زمین بنشیند، با آنان حرف بزند و با آنها غذا بخورد، خیلی فرق دارد با کسانی که با تشریفات آنچنانی و از فاصله های زیاد با مردم حرف می زدند. بعد از ۳ تیر این فاصله از بین رفت و خیلی هایی که تا قبل از ۳ تیر با «کبکبه و دبدبه» با مردم صحبت می کردند، خودشان را به مردم نزدیکتر کرده و مردمی تر نشان دادند و این یک تغییر اساسی است.

این تصور واهی که برخی از مسئولان، خود را تافته جدا بافته از مردم و مردم را شهروندان درجه ۲ تلقی کنند، از بین رفت و کسی روی کار آمد که می گوید ما نوکر مردم هستیم و مردم ولی نعمت ما هستند. در ادبیات اول انقلاب ببینید؛ بعضی ها خود را در زمره رهبران معرفی می کردند، ولی امام خمینی(ره) همان موقع می فرمودند: ما خدمتگزار مردم هستیم. «به من رهبر نگویید، بگویید خدمتگزار.» ما باید از دستاوردهای سوم تیر پاسداری کنیم و اجازه ندهیم لطمه بخورد و کمک کنیم که آقای احمدی نژاد همین رویه را ادامه دهد و به نتیجه برساند. مردم با تصمیم خود در ۳ تیر نشان دادند، کسانی که از نمد فرصت های مدیریتی کشور برای خود کلاهی بافته اند، بیازرند و به دنبال کسانی هستند که خودشان را فدای مردم کنند نه آنکه مردم را فدای خودشان کنند و ابتدا همه چیز را برای خودشان، دوستانشان و فامیلشان بخواهند و اگر چیزی اضافه آمد به مردم بدهند. دکتر احمدی نژاد نشان داد که می خواهد همه چیز را برای خدا و اسلام و خدمت مخلصانه و کارآمد به مردم به کارگیرد نه برای خودش و نزدیکانش.

گفت وگو با مهرداد بذرپاش رئیس کمیته اقشار

ستاد انتخاباتی محمود احمدی نژاد

رقابتی ترین انتخابات

مهرداد بذرپاش که در انتخابات نهمین دوره ریاست جمهوری مسئولیت «کمیته اقشار ستاد انتخاباتی دکتر احمدی نژاد» را برعهده داشته است، در سالگرد سوم تیر در گفت وگو با ایسنا، دربیان خاطرات خود از روزهای آغاز رایزنی ها برای حضور احمدی نژاد در فعالیت های انتخاباتی، اظهار داشت: «هشت ماه پیش از انتخابات ریاست جمهوری، جامعه اسلامی دانشجویان از آقای احمدی نژاد با عنوان شهردار تهران، دعوت کرده بود تا در نشست سالیانه شان که در اصفهان برگزار می شد؛ سخنرانی کند. در آن سفر من همراه ایشان بودم. در ذهن من؛ نخستین بار آنجا این فکر شکل گرفت که آقای احمدی نژاد می تواند رئیس جمهور خوبی برای کشورمان باشد.»

وی افزود: «پس از آن جلسه وقتی با جوانان و دانشجوهایی که آنجا بودند دور هم جمع شده بودیم؛ این بحث طرح شد که ایشان می تواند به عنوان رئیس جمهور جوان با نگاهی جدید و متفاوت از افراد دیگر وارد عرصه انتخابات شود. آنجا بود که این فکر به طور جدی در ذهنم مطرح شد. وقتی از اصفهان برمی گشتیم به آقای احمدی نژاد گفتم که دوستان ما این را می گفتند نظر شما چیست؟! ایشان هم پاسخ داد که آرزو بر جوانان عیب نیست! البته من به صورت جدی طرح موضوع کرده بودم؛ که ایشان لبخندی زد و گذشت.»

بذرپاش اضافه کرد: «کم کم بحث جدی شد. تصمیم گرفتیم ستاد ها را راه اندازی کنیم. وقتی دنبال افراد سیاسی اسم و رسم دار می رفتیم؛ هر کسی تصمیم دیگری برای خود گرفته و کار دیگری آغاز کرده بود. به خاطر دارم در دور اول انتخابات وقتی در سه هفته ای که به عنوان ایام تبلیغات رسمی اعلام شده بود با برخی افراد تماس می گرفتیم، با بهانه های گوناگون مواجه می شدیم. مثلاً می گفتند در فلان شهرستان هستم و . . . . ولی الآن الحمدلله بسیاری از آنها داعیه دار هستند! خیلی از افرادی که در دور اول برای تبیین یک دیدگاه حتی حاضر نبودند مصاحبه ای حداقلی بکنند امروز به گونه ای دیگر حرف می زنند. تعدادی از دوستان حاضر نبودند به میدان بیایند و کمکی بکنند.»

ستاد انتخاباتی احمدی نژاد؛ تخریب وسیع، منابع محدود

وی همچنین در بیان مشکلات پیش روی ستاد انتخاباتی احمدی نژاد در دوران فعالیت انتخاباتی شان خاطرنشان کرد: «در آن مقطع ستادی نداشتیم و هزینه ای هم نداشتیم که برای این امور صرف کنیم. منابع مالی ستاد بسیار محدود بود. تخریب ها هم بسیار بود و ما در قبال آنها رسانه ای برای پاسخگویی نداشتیم.» بذرپاش در ادامه مهم ترین مشکل ستاد انتخاباتی احمدی نژاد را ملاحظات بسیار زیاد وی در تبلیغات دانست و اضافه کرد: «هر تحرکی که می کردیم ایشان می گفت این کار را نکنید. دور اول پس از این که آرا داشت جابه جا می شد با تماس تلفنی ۵۰۰ - ۴۰۰ نفر از جوانان را هماهنگ کردم که به وزارت کشور برای اعتراض بروند که بگویم ما فعالیت ها را زیر نظر داریم. آقای احمدی نژاد به من زنگ زد و گفت آقای بذرپاش همه باید برگردند. گفتم من که نمی توانم با تلفن آنها را خبر کنم که برگردند. شما اگر می توانید آنها را خبرشان کنید. به هر شکل تلاش کردیم که این ها را برگردانیم.»

دشواری کار ستاد انتخاباتی احمدی نژاد به خاطر ملاحظات وی

وی که پیش از این ریاست گروه مشاوران جوان رئیس جمهور را برعهده داشت، اضافه کرد: «بعضی از ملاحظات آقای احمدی نژاد برای تبلیغات کار را دشوار می کرد. به خاطر دارم؛ پس از یکی از دیدارهای مناطق آقای احمدی نژاد حدود ۴۰۰ نفر از دانشجویان را در یکی از خانه ها در میدان ولیعصر جمع کرده بودم. هوا بسیار گرم بود و این دانشجوها به صورت فشرده در آن خانه نشسته بودند. ۲-۳ ساعت منتظر شدیم که آقای احمدی نژاد برای گفت وگو با این دانشجویان به میان آنها بیاید. توجه نداشتیم که این خانه مربوط به چه کسی است. در واقع چندان مطلع نبودم. یکی از دوستان به ایشان گفته بود کسی که این خانه را در اختیار بچه ها گذاشته است بی توقع نیست! با وجود هماهنگی های زیادی که شده بود وقتی آقای احمدی نژاد نزدیک ولیعصر رسید اطلاع داد که من به آنجا نمی آیم! من هم بسیار خسته و عصبانی شده بودم. گفتم آقای دکتر! ما که نمی دانستیم اینجا این مسأله را دارد! این بار بیایید سخنرانی کنید تا دفعه دیگر. ایشان به هیچ وجه نپذیرفتند. سریع تر در نزدیکی آنجا خانه ای پیدا کردیم که برای یکی از دوستان بود. خواستم جلسه را تعطیل کنم. دیدم که خیلی بد است این دانشجوها چند ساعت در گرما منتظر مانده اند. بالاخره پیاده دانشجوها را به آنجا منتقل کردیم. از آنجا که خیلی ناراحت، خسته و عصبانی بودم، در آن جلسه شرکت نکردم. شب آقای احمدی نژاد با منزل تماس گرفت که از من دلجویی کند و گفت اگر قرار است ما روی آرمان ها و اعتقاداتمان بایستیم نباید هیچ جا کوتاه بیاییم. اگر در یک مورد کوتاه بیاییم در مورد از این بزرگتر ها هم کوتاه می آییم؛ از آدمی که خانه اش را در اختیار گذاشته و در قبال آن توقعاتی دارد نباید کمک خواست.»

وی همچنین خاطرنشان کرد: «شب هایی که طرفداران کاندیدا ها به خیابان ها می رفتند و تبلیغات و پوسترپخش می کردند، احساس من این بود که در میدان ولیعصر وونک و بالاتر از آن وضعیتمان خوب نباشد. استثنا به آنجا رفتیم. قبل از آن تصورم این بود که از هر ۲۰ ماشین یک ماشین تبلیغ آقای احمدی نژاد در آن هست، اما وقتی از نزدیک دیدم، تفاوت پیش بینی با واقعیت خیلی حاضر بسیار جالب بود. ۶ شب آخر منتهی به دور اول به آنجا رفتیم. کاملاً به طرز محسوسی شب به شب طرفداران آقای احمدی نژاد بیشتر می شدند. حتی وقتی به چهره بعضی جوانان نگاه می کردیم با خود می گفتیم این که نمی تواند طرفدار آقای احمدی نژاد باشد! دور دوم انتخابات هم که دو کاندیدا با هم رقابت می کردند به این شکل بود.»

پس از سوم تیر عملاً مجموعه نظام آسوده خاطر شد از این جهت که لوکوموتیو حرکت اجرایی کشور در مسیر درستش قرار گرفته و دیگر نگران مسیر اشتباه لوکوموتیو ران نیست

روزهای آخر تبلیغات انتخابات، اوج تخریب ها

بذرپاش افزود: «آن دو روز آخر که دوستان به میادین شهر رفتند هم سازماندهی خوبی شد. بدنه اصلی مجموعه ما همه جوان و دانشجو بودند. در هر میدان حدود ده نفر با شاخه ای گل گذاشتیم. آنها با مردم گفت و گو می کردند. گفت وگوهای داغی هم انجام می شد. این کار ما نسبت پخش تبلیغات و پوسترهای آنچنانی بیشتر جواب می داد. روزهای آخر تبلیغات همه، کارها را تمام شده می دانستند. بعضی روزنامه ها هم تمام نفرات خود را بسیج کرده بودند؛ مصاحبه با این هنرمند، گفت وگو با فلان خواننده و . . . از سویی تخریب هم در اوج خود انجام می شد.»

وی با بیان این که پس از انتخابات هم رئیس جمهور از هیچ کس به خاطر این تخریب ها شکایت نکرد، خاطر نشان کرد: «تنها تخریب های SMS را دنبال کردیم. پیگیری ها و شکایت ها در مورد SMSهای تخریبی به یک سازمان دولتی رسید. سازمانی که پس ریکی از کاندیدا ها رئیس آنجا بود! ردیابی هایی که کردیم به ۲۰ شماره موبایل رسید. موبایل هایی که سند مالکیتشان به اسم آن سازمان بود. تخریب های زیادی به این شکل انجام شد.»

بذرپاش ادامه داد: «بعضی تخریب ها اینگونه بود که جوانانی را با قیافه های خاصی درست کرده و عکس های آقای احمدی نژاد را روی سینه های آنها چسبانده بودند. آنها با چاقو در میدان ولیعصر و پارک ساعی زنان را تهدید می کردند. این حرکت اینقدر مضحک بود و مشخص بود که از کجا سازماندهی می شود که نیازی به توضیح نداشت. به انواع روش ها تخریب ها انجام شد.»

وی همچنین خاطرنشان کرد: «در مقطع تبلیغات در روزهای آخر دور اول انتخابات میان پچه های مذهبی ترکه برای آنها استفتاء مراجع مهم بود بحث «اصلح نامقبول» و «صالح مقبول» را مطرح کردند. آقای احمدی نژاد را با کاندیدای دیگر قیاس می کردند و می گفتند آقای احمدی نژاد «اصلح» است، اما چون مقبولیت او کمتر از کاندیدای دیگر است به دیگری رأی دهید. چون این مسأله به طور گسترده مطرح شده بود شک و تردیدی میان بچه های مذهبی ایجاد کرده بود. من چون مرتب در مساجد سخنرانی می کردم بسیار با این بحث ها روبه رو می شدم. می گفتند نظرسنجی ها پائین است و ممکن نیست آقای احمدی نژاد رأی بیاورد.»

آسوده خاطر شدن مجموعه نظام بعد از سوم تیر

بذرپاش در ادامه تأکید کرد: «پس از سوم تیر، عملاً مجموعه نظام آسوده خاطر شد از این جهت که لوکوموتیو حرکت اجرایی کشور در مسیر درستش قرار گرفته و دیگر نگران مسیر اشتباه لوکوموتیو نیست. درست است که کم و کاستی هایی در دستگاه اجرایی همواره وجود دارد. اما خیال مجموعه نظام و انقلاب راحت است که این لوکوموتیو در ریل خود قرار گرفته است و اکنون همه تلاش ها معطوف به تسریع در سرعت این مجموعه است. بعضی ها هم که مانع تراشی می کنند فقط می توانند سرعت آن را بکاهند، اما نمی توانند آن را از ریل خارج کنند. اما در دولت های قبلی این اطمینان دیده نمی شد. شاید حتی رئیس جمهورهای قبلی هم تلاش می کرد آن را به سمت خود برگرداند، اما فضای شک و تردید بر مجموعه حاکمیت نظام کاملاً مستولی بود که آیا حرکت هایی که انجام می شود و شعار ها در مسیر خودش است؟»

وی با بیان این که اقبال مردم به شعارهای انقلابی دستاورد بزرگی برای سوم تیر بود، که توجه به آن لزوم یادآوری حماسه سوم تیر را نشان می دهد، گفت: «دولت های بعدی هم که روی کار بیایند ناگزیرند شعارهایی چون ساده زیستی مسئولین، مبارزه با فساد، عدالت طلبی و . . . را در برنامه خود قرار دهند. با سوم تیر به هر صورت این ها به عنوان مطالبه در ذهن مردم شکل گرفته است. با سوم تیر ممکن است بخشی از این شعار ها صد در صد تحقق نیابد، اما این مطالبه در ذهن مردم شکل گرفته است. با سوم تیر فضا به سمتی رفت که مطمئنیم مردم از دولت های آینده نیز توقع پیگیری این شعار ها را خواهند داشت.»

انتخابات نهم رقابتی ترین انتخابات جمهوری اسلامی ایران

وی همچنین با بیان این که رقابتی ترین انتخابات پس از انقلاب را ما در انتخابات نهم ریاست جمهوری تجربه کردیم تصریح کرد: «طیف کاندیدا ها در نهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری گسترده بود. حتی کسی را داشتیم که کلیت نظام را قبول نداشت و اعتقادش خروج از حاکمیت بود. شعار ها و حرفهایی هم در این باره می زد تا کسی که شعارهای انقلاب را با همه وجودش فریاد می زد و حتی حاضر نبود در وضعیت ظاهری خود و شعارهایش تغییری ایجاد کند، تا رأیی بیاورد.» بذرپاش ادامه داد: «مقام معظم رهبری پس از انتخابات در جلسه سخنرانی عمومی فرمودند به خانواده خودم عرض کردم، آقای احمدی نژاد با شعار ها و حرفهایی که می زند اگر هم رأی نیاورد و رأی مردم بر انتخاب ایشان نباشد، اما همین که شعارهای انقلاب را در جامعه نشر می دهد و مطرح و یادآوری می کند حائز اهمیت است. الحمدلله به واقع این باور در میان دوستان نیز وجود داشت. تحلیل های ظاهری این بود که آقای احمدی نژاد رئیس جمهور نمی شود. حتی در میان دوستان ما مطرح بود، اما نیت غالب این بود که حتی اگر ایشان رأی نیاورد وقتمان صرف نشر این ادبیات در جامعه شده و این به خودی خود، حائز اهمیت و ارزشمند است.» بذرپاش زنده شدن روحیه توکل و توجه به الطاف خفیه الهی را از دیگر دستاوردهای انتخابات سوم تیر دانست و ادامه داد: «توکل تنها امیدی بود که در دل دوستداران این جریان برای به ثمر نشستن اهداف آن وجود داشت. آنها از همه مظاهر مادی که می تواند کمکی برای آنها باشد دل بریده بودند. در سوم تیر صفت توکل برجسته گشت و این بسیار مهم است.»

اهتمام احمدی نژاد به تحقق عدالت

وی تأکید کرد: «چشم انداز اصلی جریان حامی احمدی نژاد تحقق عدالت بود. اقبال مردم به سمت این شعار و گزینش آن بسیار ارزشمند است. این نگاه از عمق فطرت دینی و ملی ما ایرانیان بر می آید که همواره در امتداد حرکت انبیای الهی حرکت کرده ایم. عدالت شعر محوری انبیای الهی است که برای آن قیام کرده اند. شعار عدالت در سوم تیر نیز برجسته شد، و این خاستگاه تاریخی، دینی و مذهبی ملت ایران است.» بذرپاش تحقق شعار «می شود و می توانیم» را بیانیه مأموریت جریان حامی احمدی نژاد دانست و گفت: «باید اصلی ترین مأموریت این جریان که در قالب شعار «می شود و می توانیم» تجلی پیدا کرد، مردم هم بر آن صحه گذاشتند را گرامی داشت. چرا که این بیانیه، بیانیه مأموریت امام(ره)، انقلاب و شهدا و مردم بوده است. همواره به خاطر زنده شدن آن عهد و پیمان، باید سوم تیر را گرامی داشت.»

انتخابات نهم و رأی مردم به داعیه دار در مبارزه با فساد

وی تصریح کرد: «همه مردم، مبارزه با فساد در همه ابعاد و به طور خاص فساد اقتصادی را جست وجو می کردند. در این انتخابات مردم کسی را برگزیدند که این ادعا را داشت و این کمک بزرگی به مطالبه شناسی مسئولین می کند تا دقت خود را صرف تحقق آن مطالبه کنند.» بذرپاش در عین حال تأکید کرد: «باید جرأت و جسارت سوم تیر را ارج نهیم. احمدی نژاد مطالبات اقتصادی مردم و مبارزه با فساد را فریاد زد و می دانست که اگر وارد این عرصه شود دست هایی بیکار نمی نشینند و سنگ اندازی می کنند. همواره فاصله ای میان مطالبات و آنچه که امکان تحقق دارد وجود دارد. او می دانست اگر وارد این عرصه شویم الزاماً این فاصله کم نمی شود و ممکن است بیشتر هم شود. کسی که این مسأله را می داند، متوجه است که ورود به این عرصه ممکن است محبوبیتش را بکاهد و تخریب شود. اما جرأت می کند و از روی این اعتقاد فضای کشور را به صحنه مطالبه گری مردم از مسئولان و کار و تلاش مسئولان تبدیل می کند.» وی خاطرنشان کرد: «فضای کشور در این صورت فضای کار و تلاش می شود و مسئولین فقط برای این که از مطالبات عقب نمانند مرتب باید بیشتر و بیشتر کار کنند و فرصتی برای کارهای سیاسی پیدا نمی کنند و فضا، فضای سازندگی می شود و الا اگر رئیس جمهوری بخواهد کاری ندارد که ۲۰ روزنامه با خبرگزاری راه اندازی کند. فضای افکار عمومی و رسانه ها را با خود همراه کند.»